

رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل متوسطه اول شهر دزفول^۱

مهرا ن محبیا ن فر^۱، مهدی فرجی پاک^۲، امیرعلی رجنی^۳، زهرا سیفی کردلر^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل بود. طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دبیران متأهل متوسطه اول شهر دزفول بودند. بر اساس نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبی ۲۱۷ دبیر متأهل شامل ۱۳۲ دبیر زن متأهل و ۸۵ دبیر مرد متأهل به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس دلزدگی زناشویی (پانیز، ۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱)، مقیاس سه گانه تاریک کوتاه جونز و پائوس (۲۰۱۴) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۹۸) بود. در نهایت، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-21 در دو بخش توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش ورود مکرر و رگرسیون مرحله ای) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/001$). همچنین از بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه، شخصیت ضداجتماعی و طرحواره های حوزه بریدگی طرد قوی ترین پیش بین دلزدگی زناشویی دبیران متأهل بودند که به ترتیب ۶۰ و ۳۴ درصد از تغییرات دلزدگی زناشویی را تبیین کردند. بنابراین می توان با ارائه مداخلات و آموزش های به موقع و مناسب در راستای کاهش مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه بویژه شخصیت ضداجتماعی و طرحواره بریدگی/طرد، میزان دلزدگی زناشویی در زوجین را کاهش داد.

واژگان کلیدی: دلزدگی زناشویی، طرحواره های ناسازگار اولیه، مثلث تاریک شخصیت.

^۱کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، اهواز، ایران

mehran.mohebian@gmail.com

^۲استادیار گروه معارف اسلامی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

farajipak@gmail.com

^۳کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند، کرمان، ایران.

amirali.rajani1996@yahoo.com

^۴دانشجوی دکتری گرایش روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران.

farajipak@gmail.com

مقدمه

ازدواج یک امر اجتماعی است که هم از طریق ارتباط ایجاد می شود و هم پایه و اساس ارتباط را تشکیل می دهد. ارتباط های مؤثر موجب شکوفایی و بهبود کیفیت روابط افراد می شود. این در حالی است که ارتباط های غیر مؤثر مانع شکوفایی انسان شده و روابط را تخریب می کند. شکست در برقراری ارتباط یکی از رایج ترین مشکلاتی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می شود. (صفی پوریان و همکاران، ۱۳۹۵).

رابطه زناشویی قادر است بسیاری از نیازهای روانی و جسمی را در یک محیط امن برآورده سازد و تأثیر زیادی بر سلامت و بهداشت روانی افراد داشته باشد (نورانی پور، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶). یکی از عواملی که زندگی زناشویی و رابطه زناشویی را تهدید می کند، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی در زوجین روندی تدریجی است که طی آن صمیمیت و عشق به تدریج کم رنگ می شود و به دنبال آن خستگی عمومی عارض می گردد. روی هم رفته، دلزدگی یک حالت خستگی و از پا افتادن جسمی، روانی و هیجانی است که نتیجه درگیری های طولانی مدت در موقعیت هایی است که افراد از نظر عاطفی و احساسی مطالبات زیادی دارند. چنین موقعیت هایی معمولاً به علت تفاوت های زیاد بین توقعات و واقعیت زوجین بروز می کند و مهم ترین توقع آن ها این است که چیزی بیابند که به زندگی شان معنا بخشد. در نتیجه بروز آشفتگی های روان شناختی بین زوجین، عشق و علاقه جای خود را به مشکلات روان شناختی، رابطه سرد و بی تفاوت (طلاق عاطفی) و به تبع طلاق رسمی می دهد (شفیعی و قمرانی، ۱۳۹۶).

دلزدگی زناشویی، حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و زوج های متوقع را متأثر می سازد. این حالت زمانی بروز می کند که آن ها متوجه می شوند علی رغم تلاش شان، رابطه ی آن ها به زندگی معنا ندهد و نخواهد داد. دلزدگی زناشویی از عدم تناسب میان واقعیات و توقعات، ناشی می شود و میزان آن به میزان سازگاری زوج ها و باورهایشان بستگی دارد. دلزدگی با فروپاشی رابطه و با رشد آگاهی و توجه به چیزهایی که به اندازه ی گذشته خوشایند نیستند، شروع می شود و اگر در این مرحله کاری برای جلوگیری از پیشرفت این روند صورت نگیرد، همه چیز از مرحله بد به بدتر می رسد. شروع دلزدگی به ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربه ی ناراحت کننده ناشی می شود در واقع انباشته شدن سرخوردگی ها و تنش های زندگی روزمره، سبب فرسایش می شود و سرانجام به دلزدگی منجر می گردد. دلزدگی زناشویی، وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را که توقع دارند عشق رویارویی و ازدواج به زندگی شان معنا ببخشد را متأثر می سازد. (عطاری، حسین پور و راهنورد، ۱۳۸۸).

یکی از سازه های شخصیتی که با دلزدگی زناشویی ارتباط پیدا می کند و می توان آن را موجب شود و به تشدید دلزدگی زناشویی منجر گردد، مثلث تاریک شخصیت است. مثلث تاریک شخصیت^۱ توجه زیادی طی دهه گذشته در حیطه های روان شناسی شخصیت به خود جلب کرده است (جوناسون، وبستر، اسمیت، لی و کریسل، ۲۰۱۲). مثلث تاریک شخصیت به سازه های شخصیتی خودشیفته^۲، ماکیاولیسم^۳ و ضداجتماعی^۴ اشاره دارد که مستقل اما مرتبط با یکدیگر هستند. خودشیفته اشاره به بزرگنمایی خود، حس شدید خود ارزشمندی، استحقاق، تسلط و برتری دارد. خودشیفتگی سبکی از شخصیت است که با ویژگی هایی همچون خودبزرگ بینی، تخیلات افراطی درباره قدرت، زیبایی و موفقیت، حساسیت زیاد به انتقاد و احساس بی نظیر بودن مشخص می شود. خودشیفتگی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است. برخی از پیامدهای مثبت آن عبارتند از: کاهش افسردگی، برون گرایی، خوشایندی اولیه و عملکرد بهتر در جمع. از طرفی، عطش توجه، اطمینان افراطی به خود، و فقدان همدلی برخی از پیامدهای منفی خودشیفتگی را تشکیل می دهد

1- dark triad of personality

2- Jonason, Webster, Schmitt, Li & Crysel

3- narcissism

4- machiavellianism

5- psychopathy

(انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳؛ به نقل از محمد زاده و عاشوری، ۱۳۹۷). ضداجتماعی شامل تکانشگری، جستجوی هیجان، فقدان ندامت، عدم اضطراب و ناتوانی در همدلی کردن است. در نهایت ماکیاولیسم بیان‌کننده بهره‌کشی از دیگران در جهت منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین فردی ناسازگارانه و همچنین رفتارهای برتری طلبانه، عدم صمیمیت و سنگدلی است و افرادی که نمرات بالایی در ماکیاولیسم دارند، گرایش به فریب دیگران دارند (جاکوبویس و ایگان^۱، ۲۰۰۶). پژوهشگران معتقدند افراد ماکیاولیایی چهار ویژگی مهم دارند: ۱- فقدان عاطفه بین فردی در روابط بین فردی، ۲- فقدان نگرانی درباره اخلاق عرفی، ۳- فقدان آسیب روانی واضح و ۴- تعهد ایدئولوژیکی کم (محمدزاده و عاشوری، ۱۳۹۷). با وجود ریشه‌های متفاوت تشکیل‌دهنده، این سه شخصیت که با عنوان مثلث تاریک شخصیتی از آن‌ها نام‌برده می‌شود، در چند ویژگی مشترک هستند. هر سه شخصیت درجاتی از منش اجتماعی بدخواهانه همراه با گرایش‌های رفتاری برای ارتقای خود، سردی عاطفی، چند رویی و پرخاشگری دارند (جونز و پائولوس^۲، ۲۰۱۴).

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که مثلث تاریک شخصیت با بسیاری از مشکلات رفتاری و روان‌شناختی از جمله تمایل به مواد مخدر، تکانش‌گری و هیجان‌خواهی، رشد اخلاقی ضعیف، فحاشی و پرخاشگری، رفتار قماربازی، شرارت و تبهکاری، فقدان همدلی، دروغ‌گویی و سردی عاطفی، و سطوح پایین توافق‌پذیری و وجدان همراه است (وای و تیلیوپولوس^۳، ۲۰۱۲؛ جونز^۴، ۲۰۱۳). در مورد ارتباط بین مثلث تاریک شخصیت و زندگی زناشویی مشخص شده است که شخصیت تاریک با خیانت به همسر، سطوح پایین تعهد و صمیمیت در رابطه، بدبینی و بی‌اعتمادی، شرکای جنسی متعدد، رفتار جنسی اجباری و رضایت پایین از رابطه زناشویی در ارتباط است (برور، هانت، جیمز و ابل^۵، ۲۰۱۵؛ یویسال^۶، ۲۰۱۶).

یکی دیگر از سازه‌های روان‌شناختی که با دلزدگی زناشویی ارتباط دارد و در شکل‌گیری و تشدید آن نقش مهمی ایفا می‌کند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۷ باورهایی هستند که افراد درباره خود، دیگران و محیط دارند، و به‌طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه به‌خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند (ژانگ و هه^۸، ۲۰۱۰؛ به نقل از نجفی و ستارپور، ۱۳۹۳). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به خاطر تجارب منفی دوران کودکی ایجاد می‌شود که بر شیوه تفکر، احساس و رفتار فرد در روابط صمیمانه‌ی بعدی و سایر جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد. طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به‌صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (رفیعی، حاتم‌ی و فروغی، ۱۳۹۰).

یکی از نظریه‌های مطرح در عرصه طرحواره‌ها، نظریه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ^۹ است. یانگ (۲۰۰۵) در نظریه خود پانزده طرحواره معرفی کرده که در نتیجه ارضا نشدن پنج نیاز هیجانی مهم، شامل نیاز به پیوند و پذیرفته شدن، خودگردانی^{۱۰}، شایستگی و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خود ابرازی، خودانگیختگی و لذت و جهت‌گیری از درون ایجاد می‌شوند. این طرحواره‌ها عبارت‌اند از: محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضربه یا بیماری، گرفتاری/در دام افتادگی، اطاعت، از خودگذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی، استحقاق و خویش‌داری و خود انضباطی ناکافی

1- Jakobwitz & Egan

2- Jones & Paulhus

3- Wai & Tiliopoulos

4- Jones

5- Brewer, Hunt, James & Abell

6- Uysal

7- early maladaptive schemas

8- Zhang & He

9- Yang

10- self-regulation

(یانگ، ۲۰۰۵؛ به نقل از یوسف‌نژاد شیروانی و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰). پژوهش‌های متعددی نشان داده است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی رابطه منفی و معنادار و با مشکلات زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارند (محمدی و فتحی آشتیانی، ۱۳۹۶؛ پیروی و هادی، ۱۳۹۶).

با توجه به موارد مذکور هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل متوسطه اول شهر دزفول است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا مثلث تاریک شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل رابطه دارد؟

روش

طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از کلیه دبیران زن و مرد متأهل دوره متوسطه اول شهر دزفول بود که بر اساس گزارش اداره آموزش و پرورش شهر دزفول تعداد آنها ۵۲۲ نفر شامل ۳۲۰ نفر زن و ۲۰۲ نفر مرد بودند. نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی از بین دبیران زن و مرد متأهل دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه دارای دوره متوسطه اول شهر دزفول انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه و روش میدانی جهت گردآوری اطلاعات استفاده شد و محقق شخصاً پرسشنامه‌ها را میان شرکت‌کنندگان در پژوهش توزیع و نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نمود. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارت بودند از:

۱- مقیاس دلزدگی زناشویی: مقیاس دلزدگی زناشویی یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ با هدف اندازه‌گیری دلزدگی زناشویی در زوجین طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۱ سؤال است و سه خرده‌مقیاس دلزدگی جسمی (خستگی، سستی و اختلال خواب)، دلزدگی عاطفی (افسردگی، ناامیدی و احساس در دام افتادن) و دلزدگی روانی (احساس بی‌ارزشی، احساس سرخوردگی و احساس خشم نسبت به همسر) را می‌سنجد. این مقیاس به صورت طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود به طوری که ۱ برای هرگز، ۲ خیلی به ندرت، ۳ برای به ندرت، ۴ برای گاهی اوقات، ۵ برای اغلب اوقات، ۶ برای اکثر اوقات و ۷ برای همیشه تخصیص می‌یابد. در این مقیاس نمره بالاتر نشان‌دهنده دلزدگی زناشویی بیشتر است. حد پایین نمرات ۲۱ و حد بالای نمرات ۱۴۷ می‌باشد. در پژوهش حاضر نمره کل مقیاس دلزدگی زناشویی ملاک محاسبه قرار گرفت.

پاینز و نانز (۲۰۰۳؛ به نقل از نادری و آزادمنش، ۱۳۹۱) ضریب پایایی مقیاس را بر اساس روش آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش کردند. در پژوهش پاینز و نانز (۲۰۰۳) روایی واگرایی مقیاس دلزدگی زناشویی بر اساس همبستگی با شادکامی زناشویی و صمیمیت زناشویی محاسبه شد که به ترتیب ضرایب همبستگی ۰/۵۶- و ۰/۸۶- به دست آمد که هر دو ضریب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. در ایران نیز در پژوهش عطاری، حسین پور و راهنورد، (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس دلزدگی زناشویی به ترتیب ۰/۸۶ محاسبه شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس دلزدگی زناشویی ۰/۷۹ به دست آمد.

۲- مقیاس سه گانه تاریک کوتاه^۱: مقیاس صفات سه گانه توسط جونز و پائوس در سال ۲۰۱۴ ساخته شد. این مقیاس شامل ۲۷ ماده و سه زیر مقیاس می‌باشد. هر خرده‌مقیاس این پرسشنامه شامل ۹ سؤال می‌باشد که به منظور ارزیابی سه صفت شخصیتی ماکیاولیسم، خودشیفته و ضد اجتماعی به کار می‌روند. سؤال‌های ۱ تا ۹ صفت شخصیتی ماکیاولیسم، سؤال‌های ۱۰ تا ۱۸ صفت شخصیتی خودشیفته و سؤال‌های ۱۹ تا ۲۷ صفت شخصیتی ضد اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهند.

^۱ - Short Dark Triad (SD3)

دهند. ماده های این مقیاس بر اساس میزان موافقت یا مخالفت شرکت کننده با سؤال های مقیاس از طریق طیف لیکرت ۵ درجه ای ۱ کاملاً مخالفم، ۲ مخالفم، ۳ نه مخالفم و نه موافقم، ۴ موافقم و ۵ کاملاً موافقم نمره گذاری می شود. لازم به ذکر است، سؤال های ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۵ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در پژوهش جونز و پائولوس (۲۰۱۴) دامنه ضریب آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ و همچنین همبستگی درونی ۰/۲۲ تا ۰/۴۰ برای خرده مقیاس های این مقیاس به دست آمد. در پژوهش پائولوس و جونز (۲۰۱۴) ضرایب بازآزمایی در فاصله دو هفته ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ گزارش شد. در ایران امیری و یعقوبی (۱۳۹۵) ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس های مقیاس سه گانه تاریک کوتاه با مقیاس تکانشگری بارت را در محدوده ۰/۱۷ تا ۰/۵۲، با خرده مقیاس های ضد اجتماعی و خودشیفته میلون در محدوده ۰/۲۱ تا ۰/۳۵ و با پرسشنامه ۱۶ ماده ای شخصیت خودشیفته در محدوده ۰/۱۹ تا ۰/۵۸ به دست آوردند که همه ضرایب در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار بودند. همچنین در پژوهش امیری و یعقوبی (۱۳۹۵) پایایی مقیاس سه گانه تاریک کوتاه بر حسب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۹، برای خرده مقیاس ماکیاولیسم ۰/۷۱، خودشیفته ۰/۸۲ و ضد اجتماعی ۰/۶۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۴، برای خرده مقیاس ضد اجتماعی ۰/۷۶، خرده مقیاس ماکیاولیسم ۰/۸۸ و خرده مقیاس خودشیفته ۰/۸۲ به دست آمد.

۳- فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ^۱: این پرسشنامه زیر مجموعه ای با ۷۵ ماده از ۲۰۵ ماده نسخه اصلی است که در سال ۱۹۹۸ به وسیله یانگ برای اندازه گیری طرحواره های ناسازگار اولیه ساخته شد (دیواندری و آهی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت ۶ درجه ای پاسخ داده می شود که نمره ۱ به کاملاً غلط، ۲ به تقریباً غلط، ۳ به بیشتر درست تا غلط، ۴ به اندکی درست، ۵ به تقریباً درست و ۶ به کاملاً درست تخصیص می یابد. این پرسشنامه دارای ۵ حوزه طرحواره ای و ۱۵ طرحواره به شرح زیر است:

۱- بریدگی/طرد: شامل رهاشدگی/بی ثباتی (سؤال های ۶ تا ۱۰)، بی اعتمادی/بدرفتاری (سؤال های ۱۱ تا ۱۵)، محرومیت هیجانی (سؤال های ۱ تا ۵)، نقص/شرم (سؤال های ۲۱ تا ۲۵)، انزوای اجتماعی/بیگانگی (سؤال های ۱۶ تا ۲۰). حداقل نمره حوزه بریدگی/طرد، ۲۵ و حداکثر نمره این حوزه ۱۵۰ است.

۲- خودگردانی و عملکرد مختل: شامل وابستگی/بی کفایتی (سؤال های ۳۱ تا ۳۵)، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری (سؤال های ۳۶ تا ۴۰)، خود تحول نیافته/گرفتار (سؤال های ۴۱ تا ۴۵)، شکست (سؤال های ۲۶ تا ۳۰) است. حداقل نمره حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ۲۰ و حداکثر نمره ۱۲۰ است.

۳- محدودیت های مختل: شامل استحقاق/خودبزرگ بینی (سؤال های ۶۶ تا ۷۰)، خویشتن داری و خودانضباطی ناکافی (سؤال های ۷۱ تا ۷۵) است. حداقل نمره حوزه محدودیت های مختل ۱۰ و حداکثر نمره این حوزه ۶۰ است.

۴- دیگرجهت مندی: شامل اطاعت (سؤال های ۴۶ تا ۵۰) و ایثار (سؤال های ۵۱ تا ۵۵) است. حداقل نمره حوزه دیگر جهت مندی ۱۰ و حداکثر نمره این حوزه ۶۰ است.

۵- گوش به زنگی بیش از حد و بازداری: شامل بازداری هیجانی (سؤال های ۵۶ تا ۶۰)، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی (سؤال های ۶۱ تا ۶۵) است (به نقل از کرمی، بهرامی، محمدی آریا، اصغرنژاد فرید و فخری، ۱۳۹۲). حداقل نمره حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۱۰ و حداکثر نمره این حوزه ۶۰ است. در پژوهش حاضر ۵ حوزه طرحواره ای ملاک محاسبه قرار گرفت.

در پژوهش یانگ (۱۹۹۸) ضرایب پایایی طرحواره های ناسازگار اولیه بر حسب آلفای کرونباخ بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ و ضرایب بازآزمایی بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۲ به دست آمد. در ایران دیواندری و آهی (۱۳۸۸) ضرایب پایایی کل پرسشنامه را برای زنان ۰/۹۷ و برای مردان ۰/۹۸ به دست آوردند. فاتحی زاده و عباسیان (۱۳۸۲) به نقل از دیواندری و آهی، (۱۳۸۸) روایی پرسشنامه طرحواره های یانگ را به روش همبستگی با آزمون باورهای غیرمنطقی ۰/۳۴ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای

¹- Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)

کرونباخ برای طرحواره های حوزه بریدگی/طررد ۰/۹۴، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۹۲، حوزه محدودیت های مختل ۰/۸۰، حوزه دیگرجهت مندی ۰/۷۵ و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۷ به دست آمد.

روش اجرای پژوهش حاضر بدین صورت بود که پس از کسب مجوزهای لازم برای ورود به مدارس، در ساعاتی که دبیران امکان پاسخگویی به پرسشنامه های پژوهش را داشتند به دبیران مراجعه و ضمن توضیح اهداف و روش پژوهش و جلب رضایت و همکاری آنان، پرسشنامه های دلزدگی زناشویی، فرم کوتاه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و مقیاس کوتاه سه گانه تاریک جهت تکمیل در اختیار آنان قرار گرفت. در ابتدای پژوهش از شرکت کنندگان خواسته شد با دقت به تمامی سوالات پرسشنامه ها پاسخ دهند و در مواردی که سؤال ها برای شرکت کنندگان پژوهش ابهام آمیز بود، توضیحات لازم و ضروری به آن ها داده شد.

جهت رعایت نکات اخلاقی پژوهش، ضمن ارائه توضیحاتی در زمینه پژوهش، با تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات و حفظ رازداری به این مطلب اشاره شد که نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نمی باشد و خاطر نشان گردید که شرکت در آزمون اختیاری است و در حین اجرای آزمون نیز آزمودنی حق انصراف از آزمون و عدم تکمیل پرسشنامه را دارد. همچنین تأکید شد که اطلاعات شخصی شرکت کنندگان به صورت محرمانه نگه داشته می شود.

در نهایت، داده های حاصل از این پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS-21 در دو بخش توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش ورود مکرر و رگرسیون مرحله ای) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

تحلیل شاخص های توصیفی برای ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش، نشان داد که از بین ۲۱۷ دبیر متأهل شرکت کننده در پژوهش، ۱۳۲ نفر زن و ۸۵ نفر مرد بودند. میانگین سن معلمان متأهل مرد $43/19 \pm 5/94$ ، میانگین سن معلمان متأهل زن $38/69 \pm 5/03$ ، و میانگین سنی کل شرکت کنندگان $40/94 \pm 5/48$ بود. در جدول شماره ۱، میانگین و انحراف معیار نمرات دلزدگی زناشویی، مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه گزارش شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات دلزدگی زناشویی، مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه

متغیر	خرده مقیاس	میانگین	انحراف معیار
دلزدگی زناشویی	-	۶۶/۵۲	۱۰/۴۹
مثلث تاریک شخصیت	ماکیاویلیسم	۲۲/۰۲	۳/۶۶
	خودشیفته	۲۰/۷۲	۴/۵۹
	ضدا اجتماعی	۲۰/۴۲	۵/۲۶
طرحواره های ناسازگار اولیه	بریدگی/طررد	۴۳/۹۸	۱۲/۳۱
	خودگردانی و عملکرد مختل	۳۷/۹۵	۱۰/۵۲
طرحواره های ناسازگار اولیه	محدودیت های مختل	۲۳/۰۱	۷/۸۷
	دیگرجهت مندی	۲۲/۷۸	۱۰
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۲۳/۱۱	۷/۰۵

نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل در جدول شماره گزارش شده است.

جدول شماره ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دزدگی زناشویی

زیرمقیاس‌ها	دزدگی زناشویی
ماکیاویلیسم	**۰/۶۷
مثلث تاریک شخصیت	**۰/۶۹
خودشیفته	**۰/۶۹
ضداجتماعی	**۰/۷۷
بریدگی/طرد	**۰/۵۹
خودگردانی و عملکرد مختل	**۰/۳۴
طرحواره های ناسازگار اولیه	**۰/۴۴
محدودیت های مختل	**۰/۴۴
دیگرجهت‌مندی	**۰/۵۴
گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	**۰/۵۵

**معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، در متغیر مثلث تاریک شخصیت، بی‌خرده مقیاس‌های شخصیت ماکیاویلیسم، شخصیت خودشیفته و شخصیت ضداجتماعی با دزدگی زناشویی به ترتیب با مقادیر ۰/۶۷، ۰/۶۹ و ۰/۷۷ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). به عبارت دیگر، با افزایش شخصیت ماکیاویلیسم، شخصیت خودشیفته و شخصیت ضداجتماعی، دزدگی زناشویی افزایش می‌یابد.

علاوه‌براین، مطابق جدول فوق، در متغیر طرحواره های ناسازگار اولیه، بین خرده مقیاس های بریدگی/ طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت های مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با دزدگی زناشویی به ترتیب با مقادیر ۰/۵۹، ۰/۳۴، ۰/۴۴، ۰/۵۴ و ۰/۵۵ رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). به عبارت دیگر، با افزایش طرحواره‌های بریدگی/ طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، دزدگی زناشویی در متاهلان بیشتر می‌شود.

برای بررسی میزان قدرت پیش‌بینی خرده‌مقیاس‌های مثلث تاریک شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دزدگی زناشویی معلمان متاهل، از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر و روش مرحله ای استفاده شد که نتایج آن در جداول ۳ و ۴ ذکر شده است.

جدول ۳- ضرایب پیش‌بینی دزدگی زناشویی بر اساس مثلث تاریک شخصیت به روش رگرسیون ورود مکرر

شاخص آماری	همبستگی ضریب	نسبت F	ضرایب رگرسیون
متغیر	چندگانه تعیین	احتمال p	
ملاک	(MR)	(RS)	
متغیر پیش‌بین			۱
			۲
			۳

		$\beta = 0.167$	۱۸۳/۱۲				
			F=				
		۱۳/۵۳		۰/۴۶	۰/۶۷	ماکیاولیسم	
		t=	p<۰/۰۰۱				
		۰/۰۰۱					
		p<					
	$\beta = 0.157$	$\beta = 0.155$	۳۵۹/۴۰			دلزد	
			F=				
	۱۷/۰۲	۱۶/۳۹		۰/۷۷	۰/۸۷	گی	
	t=	t=	p<۰/۰۰۱			خودشیفته	
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱				زناشو	
		p<				بی	
	$\beta = 0.150$	$\beta = 0.149$	$\beta = 0.133$	۲۰۲۷/۱۰			
				F=			
	۳۵/۰۸	۳۷/۹۷	۲۳/۶۵		۰/۹۶	ضد اجتماعی	
	t=	t=	t=	p<۰/۰۰۱			
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱				
	p<	p<	p<				
		$\beta = 0.159$	۱۱۵/۴۲	۰/۳۴	۰/۵۹	بریدگی/طرده	
			F=				
		۱۰/۷۳					
		t=	p<۰/۰۰۱				
		۰/۰۰۱					
		p<					
	$\beta = 0.120$	$\beta = 0.153$	F= ۶۸/۰۶	۰/۳۸	۰/۶۲	خودگردانی/عملکرد	
						مختل	
	t= ۳/۷۱	t= ۹/۶۷	p<۰/۰۰۱				
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱					
		p<					
	$\beta = 0.126$	$\beta = 0.114$	$\beta = 0.147$	F= ۵۷/۴۶	۰/۴۴	۰/۶۶	دلزد
							گی
	t= ۴/۷۴	t= ۲/۷۲	t= ۸/۶۸	p<۰/۰۰۱			محدودیت های مختل
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱				زناشو
		p<	p<				بی
	$\beta = 0.114$	$\beta = 0.106$	$\beta = 0.142$	F= ۵۳/۰۴	۰/۵۰	۰/۷۰	دیگر جهت مندی
	t= ۲/۴۴	t= ۱/۲۴	t= ۸/۰۷	p<۰/۰۰۱			
	۰/۰۰۱	p<۰/۲۱	۰/۰۰۱				
		p<	p<				
	$\beta = 0.114$	$\beta = 0.103$	$\beta = 0.130$	F= ۶۳/۹۶	۰/۶۰	۰/۷۷	گوش به زنگی بیش از
							حد و بازداری
	t= ۲/۷۶	t= ۰/۷۷	t= ۶/۰۹	p<۰/۰۰۱			

۰/۰۰۶ $p < ۰/۴۳$ ۰/۰۰۱
 $p <$ $p <$

براساس آنچه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی مثلث تاریک شخصیت (ماکیاویلیسم، خودشیفته، ضداجتماعی) با دزدگی زناشویی در دبیران متأهل برابر با $MR = ۰/۹۸$ و $RS = ۰/۹۶$ بود که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. لذا با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS) مشخص شد که ۰/۹۶ درصد از تغییرات دزدگی زناشویی دبیران متأهل توسط مثلث تاریک شخصیت تبیین می‌شود.

علاوه بر این براساس یافته دیگر جدول فوق، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی طرحواره های ناسازگار اولیه (گوش به زنگی بیش از حد و بازداری؛ خودگردانی/عملکرد مختل؛ محدودیت های مختل؛ دیگر جهت مندی، بریدگی/طرد) با دزدگی زناشویی در دبیران متأهل برابر با $MR = ۰/۷۷$ و $RS = ۰/۶۰$ بود که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. لذا با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS) مشخص شد که ۰/۶۰ درصد از تغییرات دزدگی زناشویی دبیران متأهل توسط طرحواره های ناسازگار اولیه تبیین می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای در هر دو متغیر مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- ضرایب پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه به روش رگرسیون مرحله ای

ضرایب رگرسیون			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین (RS)	همبستگی چندگانه (MR)	شاخص آماری متغیر پیش بین	متغیر ملاک
۳	۲	۱					
		$\beta = ۰/۷۷$	۳۲۸/۸۹ F=				
		۱۸/۱۳ t=	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۶۰	۰/۷۷	ضد اجتماعی	
		$p <$					
	$\beta = ۰/۵۳$	$\beta = ۰/۶۴$	F=۷۶۴/۹۷				
	۲۱/۸۰ t=	۲۶/۲۴ t=	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۸۷	۰/۹۳	خودشیفته	دزدگی زناشویی
	$p <$	$p <$					
	$\beta = ۰/۳۳$	$\beta = ۰/۴۹$	۲۰۲۷/۱۰ F=				
	۲۳/۶۵ t=	۳۷/۹۷ t=	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۹۶	۰/۹۸	ماکیاویلیسم	
	$p <$	$p <$					

	$\beta = 0/59$		۱۱۵/۴۲		۰/۳۴	۰/۵۹	بریدگی/طررد
			F=				
			$p < 0/001$				
			t=				
			۱۰/۷۳				
			۰/۰۰۱				
			p<				
	$\beta = 0/38$	$\beta = 0/45$	F= ۹۹/۳۸	۰/۴۸	۰/۶۹		دیگر جهت مندی
	t= ۷/۳۸	t= ۸/۶۲	p< 0/001				
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱					
	p<	p<					
	$\beta = 0/35$	$\beta = 0/36$	$\beta = 0/32$	۱۰۰/۶۷	۰/۵۸	۰/۷۶	دلزدگی زنشویی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
			F=				
	t= ۷/۳۵	t= ۷/۷۰	t= ۶/۵۳	p< 0/001			
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱				
	p<	p<	p<				
	$\beta = 0/35$	$\beta = 0/29$	$\beta = 0/30$	F= ۷۹/۹۵	۰/۶۰	۰/۷۷	محدودیت های مختل
	t= ۷/۴۶	t= ۵/۵۵	t= ۶/۱۹	p< 0/001			
	۰/۰۰۱	p< 0/21	۰/۰۰۱				
	p<	p<	p<				

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، در متغیر مثلث تاریک شخصیت، شخصیت ضداجتماعی قوی ترین پیش بین دلزدگی زنشویی دبیران متأهل از بین مثلث تاریک شخصیت بود که ۶۰٪ از تغییرات دلزدگی زنشویی را تبیین می کرد. پس از آن شخصیت خودشیفته و شخصیت ماکیاولیسم قرار داشتند که با اضافه شدن به معادله به ترتیب ۲۷٪ و ۹٪ به ضریب تعیین اولیه اضافه کردند. علاوه براین در متغیر طرحواره های ناسازگار اولیه، طرحواره های حوزه بریدگی طرد قوی ترین پیش بین دلزدگی زنشویی دبیران متأهل از بین طرحواره های ناسازگار اولیه بود که ۳۴٪ از تغییرات دلزدگی زنشویی را تبیین کرده بود. پس از آن طرحواره های حوزه های دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت های مختل قرار داشتند که با اضافه شدن به معادله به ترتیب ۱۴٪، ۱۰٪ و ۲٪ به ضریب تعیین اولیه اضافه کرده بودند. در معادله رگرسیونی طرحواره های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل وارد نشده اند.

بحث و نتیجه گیری

دلزدگی زنشویی باعث می شود زوجین در نقش والدین نتوانند والدگری مناسب و کارآمدی برای فرزندان داشته باشند، و فرزندان در خانواده های دچار دلزدگی زنشویی با آسیب های عاطفی و فقدان انسجام والدین روبرو هستند. شناسایی عوامل مؤثر و مرتبط با دلزدگی زنشویی کمک می کند تا زوج درمانگران از طریق روش های مداخله روان شناختی بر این متغیرها تمرکز کرده و با تغییر دادن میزان این متغیرها میزان دلزدگی زنشویی زوجین را کاهش داده و صمیمیت و خشنودی زنشویی آن ها را ارتقاء بخشند. از سوی دیگر، مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه متغیرهایی روزآمد و تعیین کننده در پژوهش های اخیر در حوزه خانواده و زنشویی محسوب می شوند. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زنشویی در دبیران متأهل انجام پذیرفت.

بررسی نتایج حاصل از پژوهش در زمینه رابطه مثلث تاریک شخصیت با دلزدگی زنشویی نشان داد که بین صفت شخصیتی ماکیاولیسم، صفت شخصیتی خودشیفته و صفت شخصیتی ضداجتماعی با دلزدگی زنشویی رابطه مثبت وجود دارد.

این یافته همسو با یافته های برهانی زاد و عبدی (۱۳۹۶)، شفیعی و قمرانی (۱۳۹۶) و جونز (۲۰۱۳)؛ به نقل از برهانی زاد و عابدی، (۱۳۹۶) است. برهانی زاد و عبدی (۱۳۹۶) در پژوهشی دریافتند بین ابعاد مثلث تاریک شخصیت با صمیمیت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر بین ابعاد مثلث تاریک شخصیت با نگرش به خیانت رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. همچنین، شفیعی و قمرانی (۱۳۹۶) در پژوهشی دریافتند از بین مولفه های شخصیت تاریک (خودشیفتگی، ضداجتماعی و ماکیاولیستی)؛ مؤلفه خودشیفتگی و پس از آن شکفتگی، بیشترین سهم را در پیش بینی دلزدگی جسمانی داشتند. هم چنین، متغیر شکفتگی و نمره کل شخصیت تاریک (کل) بهترین پیش بینی کننده دلزدگی عاطفی بودند. در مورد دلزدگی روانی نیز شکفتگی و خودشیفتگی به ترتیب بیشترین قدرت پیش بینی را دارا بودند. همچنین، جونز (۲۰۱۳)؛ به نقل از برهانی زاد و عابدی، (۱۳۹۶) در پژوهشی دریافت بین ابعاد مثلث تاریک شخصیت و خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در تبیین یافته فوق می توان گفت، در یک زندگی زناشویی که مبنای آن بر اساس از خودگذشتگی دو جانبه است و طرفین می بایست به نیازهای یکدیگر توجه کنند، افراد خودشیفته با رفتارهایی که نشان می دهند همسرشان را به شدت از خود دور می سازند و زمینه های تضاد و تعارض را فراهم می سازد.

از سوی دیگر، افراد دارای شخصیت ماکیاولی سبکی از روابط مبتنی بر دو رویی دارند. آنها فاقد توانایی همدلی با دیگران و توانایی شناخت احساسات دیگران هستند و از سطح پایینی از هوش هیجانی برخوردارند. افراد دارای شخصیت ماکیاولی در نقش یک دوست، فردی معتمد و رازدار کمتر ظاهر می شوند، دیگران را افرادی ضعیف که کنترل کمی بر موقعیت شان دارند، می پندارند، کنترل را در روابط با دیگران به دست می گیرند. اگر خیانت، فرد ماکیاولی را به پیروزی برساند او از این کار دریغ نمی کند.

ویژگی های شخصیت ماکیاولی از جمله عدم درک احساسات دیگران، همدلی پایین، دروغ گویی، سلطه گری، گرایش به بهره کشی و خیانت می توانند بنیان یک زندگی زناشویی را تخریب کنند. بر این اساس صفات شخصیت ماکیاولی زمینه های لازم را برای دلزدگی زناشویی در همسر مقابل فراهم می سازد.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان داد صفت شخصیتی ضد اجتماعی قوی ترین پیش بین دلزدگی زناشویی از بین مثلث تاریک شخصیت است. در تبیین این یافته باید گفت، از شکایت های معمول زوجین می توان منفی بودن تعاملات روزمره آنها را نام برد. زوجین آشفته، نسبت به زوجین خوشبخت، بیش تر رفتار منفی همسرشان را مطرح می کنند. بهر حال زوجین آشفته تمایل دارند که بر اساس «مقابل به مثل» به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ دهند. در مقابل، رفتارهای زوجین دارای رضایت زناشویی، کم تر تحت تأثیر رفتارهای همسرشان است. زوجین راضی نسبت به اعمال گذشته همسرشان واکنش خاصی نشان نمی دهند (صفار، ۱۳۸۸).

علاوه بر این، یافته های دیگر این پژوهش در زمینه بررسی رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی در دبیران نشان داد که بین طرحواره های حوزه بریدگی / طرد، طرحواره های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، طرحواره های حوزه محدودیت های مختل، طرحواره های حوزه دیگر جهت مندی و طرحواره های حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته همسو با یافته های محمدی و فتحی آشتیانی (۱۳۹۶)؛ پیروی و هادی (۱۳۹۶)؛ رفیعی، حاتمی و فروغی (۱۳۹۰) و یوسف نژاد شیروانی و پیوسته گر (۱۳۹۰) که در پژوهش های خود دریافتند طرحواره های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی رابطه منفی و معنادار دارد. علاوه بر این، محمودی، زاده محمدی و فلاح زاده (۱۳۹۶) بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی در متاهلین شهر تبریز پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین تمام حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

در تبیین یافته فوق می توان گفت، طرحواره های ناسازگار اولیه منجر به شکل گیری تعارض های هیجانی و ناراضیاتی زناشویی می شوند و زمینه ای برای افزایش ناراضیاتی جنسی بین زوجین می شود. افرادی که طرح واره هایشان در حوزه

بریدگی/طرد قرار دارد، نمی توانند دل‌بستگی های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. و بر این باورند که دیگران با کوچکترین فرصت از آنها سوء استفاده می کنند، به آنها آسیب می زنند، تحقیرشان می کنند، دروغ می گویند، فریب می دهند یا آنها را دست می اندازند^۱.

افراد دارای طرحواره های حوزه خود گردانی و عملکرد مختل، احساس می کنند بدون کمک جدی دیگران نمی توانند از عهده مسئولیت های روز مره شان بر آیند. اغلب در خصوص ارتباط شان با یکی یا چند نفر از افراد مهم زندگی شان (اغلب والدین)، بیش از حد اشتغال ذهنی دارند. این افراد معتقدند که حداقل یکی از افراد این رابطه، نمی تواند بدون دیگری به زندگی ادامه دهد. این طرح واره ممکن است احساساتی مثل غرق در شخصیت طرف مقابل شدن، فقدان هویت وی هدف بودن زندگی را در بر گیرد. (یانگ، کلووسکو و ویشاار^۲، ۲۰۰۳).

همچنین نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد که طرحواره های حوزه بریدگی طرد قوی ترین پیش بین دلزدگی زناشویی دبیران متأهل از بین طرحواره های ناسازگار اولیه است. در تبیین این یافته باید گفت ناتوانی افراد دارای طرحواره های حوزه بریدگی طرد برای برقراری روابط رضایت بخش با دیگران به دلیل عدم دل‌بستگی ایمن و باور آن‌ها مبنی بر این که نیازهای عاطفی روانی شان توسط دیگران تأمین نمی شود می تواند زمینه ساز دلزدگی زناشویی در همسر شود. همچنین تصور این که رابطه با شریک زندگی شان ثبات نخواهد داشت، یا همسر ترک شان خواهد کرد یا به آن‌ها خیانت خواهد کرد نیز می تواند در کاهش رضایت زناشویی و دلزدگی زناشویی آن‌ها مؤثر باشد. احساس نقص و شرم و عدم جذابیت جنسی نیز یکی دیگر از ویژگی های افراد دارای این حوزه طرحواره ای است.

با همه دقت‌هایی که ضرورت هر کار علمی است، محدودیت‌های روش‌شناختی و تعمیم‌دهی نتایج نمی‌تواند دور از نظر قرار بگیرد. لذا هر پژوهشی با محدودیت‌هایی همراه است و این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. از جمله محدودیت‌های این پژوهش عبارت بودند از: ۱- استفاده از پرسشنامه خودگزارشی جهت دستیابی به داده‌ها که می‌تواند بر صحت یافته‌ها اثر گذاشته و تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه سازد، ۲- زیاد بودن تعداد سوالات پرسشنامه‌ها که منجر به بروز خستگی شرکت کنندگان شده بود، ۳- محدود بودن نمونه پژوهش به دبیران متأهل که یک نمونه غیربالیینی است. با این وجود اگر پژوهش در نمونه های بالینی اجرا شود طرحواره های ناسازگار با وسعت و شدت بیشتری قابل ردیابی خواهد بود. از این رو با توجه به محدودیت های موجود پیشنهاد می شود در پژوهش‌های آتی بر روی گروه های بالینی نیز پژوهش صورت گیرد. همچنین از پرسشنامه های کوتاه تری برای بررسی متغیرهای پژوهش استفاده گردد. از سوی دیگر در طرح های تجربی اثربخشی طرحواره درمانی، رفتاردرمانی دیالکتیک و سایر درمان های روان شناختی بر اصلاح طرحواره های ناسازگار اولیه و کاهش ابعاد تاریک شخصیت و در نتیجه کاهش دلزدگی زناشویی، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین ضروری است که متولیان آموزشی و سازمانی در نهادهای مختلف خصوصی و دولتی که از برنامه‌ریزان حوزه خانواده و تحکیم خانواده به شمار می‌روند، منطبق با یافته‌های این پژوهش که حاکی از ارتباط مثلث تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه با دلزدگی زناشویی بود، دوره‌های آموزشی و کارگاهی جهت شناسایی این عوامل برای مشاوران مراکز مشاوره و خدمات روان‌درمانی حوزه خانواده ترتیب دهند تا آن‌ها نحوه اثرات این متغیرها بر روابط زوجین را آموخته و در فرایند مشاوره خود به آنها توجه نموده و مداخلات درمانی مناسب را بکار بگیرند.

سپاسگزاری

در پایان با توجه به اینکه پژوهش حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اهواز می‌باشد، از اساتید دانشگاه مربوطه و نیز همه شرکت‌کنندگانی که تا پایان پژوهش با ما همراه بودند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

¹ -manipulate

² - Young, Klosko & Weishaar

منابع

- صفار، ا. (۱۳۸۸). علل بروز مشکلات ارتباطی و اختلافات زناشویی. **مجله پیوند**، ۳۶۰، ۲۸-۲۴.
- صفی پوریان، ش؛ قدمی، س. ا؛ خاکپور، م؛ سودانی، م؛ مهرآفرید، م. (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره گروهی با روش درمان بین فردی (IPT) بر کاهش دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. **نشریه آموزش و پرستاری**، ۵ (۱)، ۱-۱۱.
- امیری، س؛ یعقوبی، ا. (۱۳۹۵). ارزیابی ویژگی های روان سنجی مقیاس سه گانه تاریک شخصیت. **پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره**، ۶ (۱)، ۷۷-۹۷.
- برهانی زاد، ش؛ عبدی، ر. (۱۳۹۶). نقش ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق. **اندیشه و رفتار**، ۱۴ (۴۵)، ۲۶-۱۷.
- پیروی، م؛ بهرامی، ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرحوار های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متاهل واحد علوم تحقیقات تهران. **مجله رویش روانشناسی**، ۶ (۱)، ۱۵۸-۱۳۱.
- دیواندری، ح؛ آهی، ق. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی های روان سنجی و ساختار عاملی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر. **پژوهشنامه تربیتی**، ۵ (۲۰)، ۱۳۳-۱۰۳.
- رفیعی، س؛ حاتمی، ا؛ فروغی، ع. ا. (۱۳۹۰). رابطه ی بین طرحواره های ناسازگانه ی اولیه و سبک دل بستگی در زنان. **جامعه شناسی زنان**، ۲ (۱)، ۲۶-۲۱.
- شفیعی، ز؛ قمرانی، ا. (۱۳۹۶). نقش شخصیت تاریک و شکستگی در دلزدگی زناشویی زوجین. **زن و جامعه**، ۸ (۱)، ۹۴-۷۷.
- عطاری، ی؛ حسین پور، م؛ راهنورد، س. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی به شیوه ی برنامه ی ارتباطی زوجین بر کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین. **اندیشه و رفتار**، ۴ (۱۴)، ۳۴-۲۵.
- محمدزاده، ع؛ عاشوری، ا. (۱۳۹۷). مقایسه همبسته های شخصیتی صفات ماکاولیایی، خودشیفتگی و ضداجتماعی (مثلث تاریک شخصیتی) در الگوی سه عاملی. **مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران**، ۲۴ (۱)، ۵۵-۴۷.
- محمدی، ب؛ فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۹۶). طرحواره های ناسازگار اولیه و رضایتمندی در زوجین. **مجله روانشناسی معاصر**، ۱۲، ۱۵۴۷-۱۵۵۱.
- محمودی، ش؛ زاده محمدی، ع؛ فلاح زاده، ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و دلزدگی زناشویی در متاهلین شهر تبریز، دومین همایش روان شناسی و علوم تربیتی ایران، جیرفت، همایش گستران. https://www.civilica.com/Paper-HGSE02-HGSE02_010.html
- نادری، ف؛ آزادمنش، پ. (۱۳۹۱). مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد. **مجله یافته های نو در روانشناسی**، ۷ (۲۲)، ۹۷-۱۱۲.
- نجفی، س؛ ستارپور، ف. (۱۳۹۳). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه در زندانیان چک برگشتی با افراد عادی. **مجله شناخت**، ۲ (۲)، ۲۷-۱۶.
- نورانی پور، ر؛ بشارت، م. ع و یوسفی، ا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی. **تازه ها و پژوهش های مشاوره**، ۶ (۲۴)، ۳۹-۲۷.
- یوسف نژاد شیروانی، م؛ پیوسته گر، م. (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرحواره های ناسازگار اولیه در دانشجویان. **مجله دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی**، ۱۲ (۴۴)، ۶۵-۵۵.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. **Personality and Individual Differences**, 83: 122-127.
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). The dark triad and normal personality traits. **Personality and Individual Differences**, 40, 331-339.

- Jonason, P. K., Webster, G. D., Schmitt, D. P., Li, N. P., & Crysel, L. (2012). The antihero in popular culture: Life history theory and the dark triad personality traits. **Review of General Psychology**, 16, 192–199.
- Jones, D. N. (2013). What's mine is mine and what's yours is mine: The Dark Triad and gambling with your neighbor's money. *Journal of Research in Personality*, 47, 563–571.
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2014). Introducing the Short Dark Triad (SD3): A brief measure of dark personality trait. **Assessment**, 21(1), 28-41.
- Wai, M., & Tiliopoulos, N. (2012). The affective and cognitive empathic nature of the dark triad of personality. **Personality and Individual Differences**, 52, 794–799.
- Young, J. E., Klosko, J. S. & Weishaar, M. E. (2003). **Schema therapy: a practitioner's guide**. New York: Guilford Press.

The Relationship between the Dark Triad of Personality and Early Maladaptive Schemas with Marital Burnout in Married Teachers of Dezful first period high schools.

* Mehran Mohebianfar¹, Mahdi Farajipak,² **Amirali Rajani**³, Zahra seyfi kordlar⁴

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between the dark triad of personality and early maladaptive schemas with marital burnout in Married Teachers. The research design was descriptive and correlational. The statistical population of the study consisted of all married high school teachers in Dezful city. Based on stratified random sampling, 217 married teachers including 132 married women and 85 married men were selected as the study sample. The research tools included Painez Marital Burnout (1996), short dark triple Jones and Paulhus (2014), and short form of the Young's Early Maladaptive Schema Questionnaire (1998). Finally, the data were analyzed using SPSS-21 software in two sections: descriptive (mean and standard deviation) and inferential (Pearson correlation test and regression analysis by repeated-measures and stepwise regression). Findings showed that there was a positive significant relationship between dark personality triangle and early maladaptive schemas with marital burnout ($p < 0.001$). Also among the dark triangles of personality and early maladaptive schemas, antisocial personality, and disconnection and rejection schemas were the strongest predictors of marital burnout, which respectively explained 60% and 34% of marital burnout changes. Therefore, timely and appropriate interventions and training can be done to reduce marital burnout in couples by reducing dark triangles of personality and early maladaptive schemas, especially antisocial personality and disconnection and rejection schemas.

Keywords: marital burnout, early maladaptive schemas, dark personality triangle.

¹. *Corresponding Author: MSc in Family Counseling, Science and Research Branch Islamic Azad University of Ahvaz, Ahvaz Branch, Khuzestan, Iran.
mehran.mohebian@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran.

farajipak@gmail.com

³ Master of Family Counseling, Islamic Azad University, Zarand Branch, Kerman, Iran.
amirali.rajani1996@yahoo.com

⁴ The student of p.h.d of General psychology From Islamic Azad university Ardabil, Iran.
Soniya.seyfii@gmail.com

